



اسلام و برده داری

از ادعا تا واقعیت

👤 ارائه دهنده:

@amir_H۳۱۳zb

ارائه شده در گروه تلگرامی **مناظره**

🌐 آدرس تلگرامی گروه:

<https://telegram.me/joinchat/CJ۰۹۶D۸ieue۷mOruFeQEKg>

بخش اول

مقدمه:

آیا برده داری و کنیز جز فرهنگ جاهلیت بود که اسلام هم آن را پذیرفت؟
اگر قبول کنیم که انسانها آزاد خلق شده اند، و اسلام هم بر این تاکید دارد
چگونه است که فردی باید برده و عبد فرد دیگری باشد؟

چرا اسلام در ابتدای پیدایش نظام برده داری را پذیرفت اما بعدا با استقرار اسلام بدنبال از بین بردن این فرهنگ بود؟
اگر برده داری امری خلاف حقوق انسان است پس باید از ابتدا حرام اعلام میشد.

چرا اسلام با برده داری مخالفت نکرد؟ اگر اسلام دنبال آزادی انسانهاست پس چرا پیامبر و بزرگان دین در منزل خود
برده داشتند؟

پاسخ اول

اسلام هرگز ابداع کننده بردگی نبوده است، بلکه در حالی ظهور کرد که مساله بردگی سراسر جهان را فرا گرفته و با تار
و پود جوامع بشری آمیخته بود.

طرح اسلام برای آزادی بردگان

آنچه غالبا مورد توجه قرار نمی گیرد این است که اگر نظام غلطی در بافت جامعه ای وارد شود ریشه کن کردن آن
احتیاج به زمان دارد، و هر حرکت حساب نشده نتیجه معکوسی خواهد داشت.

اسلام طبق یک فرمان عمومی دستور می داد همه بردگان موجود در آن را آزاد کنند، چه بسا بیشتر آنها تلف می شدند،
زیرا گاه نیمی از جامعه را بردگان تشکیل می دادند، آنها نه کسب و کار مستقلی داشتند، و نه خانه و لانه و وسیله ای
برای ادامه زندگی.

اینجا است که باید تدریجا آزاد شوند، و جذب جامعه گردند، نه جان خودشان به خطر بیفتد، و نه امنیت جامعه را به
خطر اندازند، و اسلام درست این برنامه حساب شده را تعقیب کرد.

اما اسلام چگونه برده داری را لغو کرد؟

باید به تحلیل محققین غربی که در مورد نظام برده داری در دنیا پرداخته اند توجه کرد ﷺ ﷺ ﷺ

چند نمونه: ﷺ ﷺ ﷺ

دکتر «گوستاو لوبون» در این باره می گوید:

«آنچه مسلم است برده نزد مسلمانان بدان صورت که در نزد نصاری بوده نیست. و وضعی که بردگان مشرق در آن به سر می برند به مراتب بهتر از وضعی است که نوکران و کلفت‌های اروپایی دارند. غلامان زر خرید در مشرق زمین جزء خانواده محسوب هستند و چنانچه پیش از این گفته شد حتی می توانند با دختران آقایان مالکین خود ازدواج کرده و در زمره دامادان او در آیند و همچنین می توانند بزرگترین منصبها را نائل گردند. در مشرق غلام بودن عار و ننگ نیست و بدان اندازه که در مغرب نوکر از ارباب خود فاصله دارد در آنجا غلام از مالکش دور نیست و ارتباطش زیادتر و با او نزدیکتر است

مچنین ایشان به نقل از مسیو «آلو» می نویسد:

«مسلمانان هرگز با دیده حقارت به بردگان نگاه نمی کردند. از این روست که می بینیم مادر پادشاهان عثمانی که پیشوای مسلمانان و مورد احترام آنان بوده اند کنیز بوده و در این باره به حیثیت آنها لطمه وارد نیامده است.»

خیلی مهم ﷺ ﷺ ﷺ

در حالی که برخی اروپاییان، مسلمانان را متهم به برخورد نادرست و خشن با بردگان می کنند، دکتر گوستاو لوبون معتقد است که:

تمام جهانگردانی که درباره مساله برده داری در مشرق زمین به تحقیق پرداخته اند معترفند که این سر و صدای مغرضانه ای که برخی از اروپاییان در اطراف آن به راه انداخته اند به کلی بی اساس است. و بهترین دلیل آن این است که بندگانی که در مصر مایل به آزادی باشند کافی است که میل خود را در برابر یکی از قضات اظهار نمایند، ولی با این حال این غلامان اقدام به آزادی خود نمی کنند. «مسیو «ایبر» در این باره می نویسد: «باید بردگان را در شهرهای اسلامی جزء خوش شانسها و سعادت مندان در زندگی دانست و من برای گواه، شواهد زیادی برای این مطلب دارم، لکن به گفتارهای گروهی از مؤلفین که اخیراً وضع بردگان را در مصر از نزدیک مشاهده کرده اند اکتفا می کنم» «مسیو «شارم» می نویسد: «موضوع بردگی در مصر به اندازه ای طبیعی و عادی و نافع و سودمند است که الغای آن در حقیقت مصیبت تازه خواهد بود.» «مسیو «دووژانی» رئیس دانشکده زبانهای خارجی در قاهره می نویسد: «بردگان از این آزادی که اخیراً بدانها داده شده بسیار کم استفاده می کنند با این که این آزادی طوری است که به هر نحو بخواهند می توانند آزادانه بدون هیچ گونه مزاحمتی زندگی کنند

این مطالب بخشی از کتاب ﷺ ﷺ ﷺ

گوستاو لوبون، تمدن اسلام و غرب، ترجمه سید هاشم حسینی، انتشارات اسلامیه، تهران، ص ۴۶۴.

پیش از پرداختن به اصل موضوع بیایید چند مقدمه را با هم مرور کنیم:

الف - برده داری به «اشکال مختلف» و در تمدن ها و جوامع مختلف در طول زمان وجود داشته.

ج - آنچه در دوران بنی امیه، بنی عباس، عثمانی، مغولان، ایلخانان، سلجوقیان و... عمل شد، لزوما همان چیزی نبود که اسلام راستین مدنظر داشت. این حکومت ها ظواهری و اسم ها و عناوینی از اسلام گرفته بودند و در عمل، کار خودشان را می کردند.

نتیجه - آنچه با عنوان برده داری در تاریخ اسلامی رواج یافته، لزوما مفهوم دینی برده داری نبوده و گاهی مفهوم غیردینی و ظالمانه آن رواج داشته و پاره ای از احکام ائمه و در نتیجه فقه ما در جهت کاستن از ظلم رایج در جامعه بوده نه تایید اصل ظلم.

خب، پس منظور اسلام (قرآن کریم و معصومین علیهم السلام الله) ، از برده داری چه بوده؟

اندکی که عمیق می شویم، آنچه از برده داری در ذهنمان تداعی می شود، برده داری در یونان باستان و امپراتوری روم است.

! و همان تداعی را به کل مسأله و واژه برده و برده داری در تمام طول تاریخ بشری تسری می دهیم. **!**

اما وارد بحث اصلی می شویم،

آیا برده داری در اسلام بود؟

بله.

این اما، به معنای ترسیم سه نظام اجتماعی مختلف در سه دوره تاریخی از سوی اسلام در مسأله برده داری است.

نظام نخست، برده داری پیش از اسلام است، که به اسلام به ارث رسیده بود.

پیش از اسلام نظام برده داری امری عادی در تمامی نظامات اجتماعی بود. یک فرد از طرق مختلف مانند بدهکار شدن، باخت در قمار، دزدیده شدن، شکست خوردن در جنگ ، فروش از سوی مرد خانه یا رئیس قبیله یا حکمران، خیانت و اساسا فروش در میدان برده فروشان، عنوان بردگی به پیشانی اش می خورد.

نظام نخست، برده داری پیش از اسلام است، که به اسلام به ارث رسیده بود.

پیش از اسلام نظام برده داری امری عادی در تمامی نظامات اجتماعی بود. یک فرد از طرق مختلف مانند:

- بدهکار شدن
- باخت در قمار
- دزدیده شدن
- شکست خوردن در جنگ

- فروش از سوی مرد خانه یا رئیس قبیله یا حکمران
- خیانت و اساسا فروش در میدان برده فروشان

﴿عنوان بردگی به پیشانی اش می خورد﴾

توجه کنید: اینکه گفتم امری عادی نه اینکه امری خوب بود.

برده، شی محسوب می شد و مانند یک شی با او رفتار می شد. برده از جایگاه انسان بودن سقوط می کرد.

هر آنچه از فلاسفه یونان باستان در باب جایگاه انسان ذکر شده، منهای بردگان است. بردگان اساسا انسان نبودند!! شوخی نیست. من نوعی اگر به همسایه ام بدهکار می شدم و نمی توانستم قرضم را ادا کنم، از فردا دیگر انسان نبودم، شیئی بودم به نام برده که در مالکیت تام و تمام او بودم

و او، مالک من، حق انجام هر کاری را با من و وادار کردن من به هر کاری را داشت!!!

با اندکی کم و زیاد کردن شرایط برده و برده داری، اسلام به وقت ظهور با چنین شرایطی روبرو بود. واقعیت آن است که هیچ قدرتی توانایی آن را نداشت که با این نظام به یکباره برخورد کند.

در هر حال، به جای حذف کامل نظام برده داری، اسلام آن را به شدت محدود کرده و یک نظام نوینی را ایجاد نمود. بنده در اینجا از تقریر علامه طباطبایی بهره خواهیم برد و سعی خواهیم کرد ساختار نظام برده داری در اسلام دوران پیامبر را شرح دهیم.

نظام دوم، نظام برده داری در اسلام دوران پیامبر:

خلاصه: تغییر ماهیت برده داری، محدود نمودن طرق برده نمودن، ایجاد قوانین و قواعد دوسویه، ایجاد مسأله لزوم آزادسازی بردگان

مفصل: اسلام در بدو ظهور و دوران حضور پیامبر (ص) در ابتدا باقی ماندن بردگان موجود در جامعه اسلامی آن زمان را تایید می کند، افرادی که در دوران جاهلیت برده شده بودند، به سبب دوری از اقدام احساسی و ایجاد مشکلات عدیده اجتماعی برای خود بردگان مانند: آوارگی.

سبب بحث سنگین آزادسازی بردگان را پیش کشید و از سه طریق قهری، الزامی و اختیاری مبادرت به آزادسازی بردگان نمود. تقریبا به هر بهانه ای باید برده ای آزاد می شد. این امر موجب شد به تدریج بخش اعظم بردگان باقی مانده از دوران جاهلیت آزاد شوند.

در مرتبه بعدی، اسلام نظام خاص خود را پی ریزی کرد:

الف) نظام برده داری نامش به نظام فتنی (جوانمرد) و فتاء تغییر نام داد.

ب) تنها کسانی برده می شوند که: از کفار حربی باشند، یعنی کافرانی که به جنگ با خدا و رسول آمده باشند.

ج) اسیران از جنگ کفار حربی، یا باید آزاد می شدند، یا با اسرای مسلمان مبادله می شدند، یا حاکم اسلامی (پیامبر صل الله علیه و آله) مصلحت دیگری برایشان تدارک می دید (مانند لزوم آموزش سواد به تعدادی از مسلمانان و سپس آزاد شدن) یا اگر حاکم اسلامی مصلحت می دید بنا به شروطی در بین خاندان های مشهور مسلمان (شهرت از باب دینداری) تقسیم می شدند؛ از باب نظام فتی و فتاء.

این شروط مواردی از این قبیل را شامل می شد:

➤ زنان اگر بیان می کردند که به زور در جنگ حاضر شده اند، آزاد می شدند.

اگر زن و شوهر کافری اسیر می شدند و شوهر اسلام می آورد، این دو زن و شوهر باقی می ماندند (بالتبع زن به کنیزی نمی رفت).

اگر امکان آزادی اسیر فراهم بود، آزادسازی وی نسبت به غلامی وی در اولویت بود.

بزرگان و اهل احترام دشمن، باید احترام شده و تحقیر نمی شدند.

✓ پس فقط کسانی در نظام خاص اسلام برده می شدند که: **کافر حربی** باشند، در میدان جنگ باشند، نتوان به بهانه ای آنان را آزاد کرد.

حال من نوعی به عنوان برده به خانه یکی از خانواده های مشهور مسلمان می رفتم، حقوقی داشتم و تکالیفی. حقوق من به خاطر انسان بودنم بود. درست است که به مسلمین هجوم برده ام و مسلمین پس از اتمام حجت و نصیحت (این مراحل واجب هستند) با من جنگ کرده و اسیر شده و به هیچ طریقی مشمول آزادی نشده ام، اما انسانم.

تکالیف من نیز از این بابت است که: به هر حال دشمن هستم.

➤ به دشمن که سرویس رایگان نمی دهند.

بخشی از حقوق من غلام: ﷺ

-هزینه زندگی برده به عهده مالک اوست.

-مولی حق ندارد برده خود را به امور خلاف شرع وادار کند.

-در مواردی که شرعاً حکم خاصی برای بردگان وضع نشده، برده از حقوق مساوی و مشابه با دیگر آدمیان یعنی احرار برخوردار است. بنابراین حکم اختصاصی و متفاوت درباره برده محتاج اثبات شرعی است نه برعکس.

-مالک باید به عدالت و انصاف با برده رفتار نماید.

گزینه ی دوم این است که: آنها را با گرفتن پول یا امتیاز اقتصادی یا سیاسی از کفار به کفار تحویل دهیم. این راه را اسلام می پذیرد به شرط آنکه حاکم اسلامی تشخیص دهد که این کار خطری برای مسلمین ندارد. اما اگر کفار حاضر به معامله نشدند یا از بین رفته بودند و کسی برای معامله نبود، نوبت به گزینه های بعدی می رسد.

گزینه ی سوم این است که: آنها را زندانی نماییم. اسلام این راه را برای کوتاه مدت می پذیرد؛ اما برای بلند مدت آن را امری غیر انسانی و غیر منطقی می داند. چون با این کار، از یک طرف عده ای انسان در محیطی محبوس شده و امکانات رشد مادی و معنوی را از دست می دهند؛ و این کاری است غیر انسانی. از طرف دیگر با این روش باید مسلمانان کار کرده و شکم دشمنان زندانی خودشان را سیر نمایند؛ که از این ناحیه نیز مسلمین دچار ضرر اقتصادی می شوند. لذا چنین راهی برای مدت طولانی کاری است غیر انسانی، زیانبار و غیر منطقی.

گزینه ی چهارم آن است که: اسیران جنگی به عنوان غنائم جنگی، بین جهاد کنندگان مسلمان تقسیم شوند؛ تا از این طریق هم خود اسیران از محدودیت زندان نجات یافته امکان رشد داشته باشند؛ هم در مقابل غذا و پوشاک و مسکنی که استفاده می کنند، کار اقتصادی انجام دهند؛ هم اینکه از شورش دسته جمعی آنها جلوگیری شود؛ همچنین این اسیران در تعامل با مسلمین با فرهنگ اسلامی آشنا گردند.

و این همان راهی است که اسلام برگزید. لکن اسلام برای این اسیران برده شده، حقوقی اجتماعی نیز تعریف نمود و کاری کرد که به مرور زمان آنها نیز در ساختار اجتماعی مسلمین هضم شوند.

همچنین با راهکارهای متعددی راه آزاد سازی تدریجی این بردگان را نیز فراهم ساخت؛ به گونه ای که آزادی آنها صدمه ای به ساختار و بافت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه ی اسلامی نزند.

لذا اگر به یکباره آزاد می شدند، اولاً اقتصاد جامعه ی آن روز دچار فروپاشی می شد ثانیاً جامعه با تعداد زیادی انسان بی کار و بدون مسکن و گرسنه مواجه می شد و نتیجه ی این عمل بروز یک شورش همه جانبه از سوی بردگان بود.

پس اسلام برای جلوگیری از این فاجعه ی اجتماعی و اقتصادی از یک سو، و حل مساله ی نگه داری اسیران جنگی از سوی دیگر،

(اولاً): برده گیری اسیران جنگی را بعد از راه حل معاوضه با اسیر یا با پول و امتیاز، به عنوان بهترین راه حل ممکن مجاز دانست.

(ثانیاً): حقوقی برای برده ها وضع نمود تا آنها مورد ظلم واقع نشوند و امکان ترقی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی داشته باشند.

قرآن بعد از سفارش به توحید و نیکی به والدین و ... به **"نیکی به برده ها"** سفارش کرده:

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ... وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (۳۶)

قرآن به بهانه های مختلف توصیه اکید به آزاد کردن برده ها کرده است:

قرآن به اطعام برده ها - حتی برده های سایر اشخاص - توصیه فرموده:

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸) سوره انسان

در آیه فوق ، اسیر شامل برده هم می شود.

در قرآن صریحا توصیه به آزاد کردن برده ها شده است:

فَكَرَّ قَبْلَهُ (۱۳) سوره بلد

فک یعنی آزاد کردن

رقبه در اینجا یعنی برده

در قرآن آمده که کفاره بعضی از معصیتها اینست که برده آزاد کنیم:

مثلا کسی که مرتکب قتل می شود باید برده آزاد کند:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً ... سوره نساء آیه ۹۲

نیز کسانی که قسم خود را می شکنند کفاره اش اینست که برده آزاد کنند:

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ

در کتب حدیث و تاریخ نقل شده که ابوذر لباسی فاخر به غلامش پوشانده بود و وقتی از علتش جویا شدیم برای ما تعریف کرد که رسول الله ص به او فرموده که "این برده ها برادران شما هستند که زیردست واقع شده اند و باید از همان غذایی که خود می خورید به آنها بخورانید و از همان لباسی که می پوشید به آنها بپوشانید و مسزولیتی بیش از طاقت آنها بر دوششان نگذارید و اگر مسزولیت سنگین بر دوش آنها گذاشتید در ادای آن به آنها یاری برسانید

متن عربی روایت:

... المعروف بن سوید قال رأيت أبا ذر الغفاري رضي الله عنه وعليه حلة وعلی غلامه حلة فسألناه عن ذلك فقال إني سابت رجلا فشكاني إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال لي النبي صلى الله عليه وسلم أعيرته بأمه ثم قال إن إخوانكم خولكم جعلهم الله تحت أيديكم فمن كان أخوه تحت يده فليطعمه مما يأكل وليلبسه مما يلبس ولا تكلفوهم ما يغلبهم فإن كلفتموهم ما يغلبهم فأعينوهم

منبع: صحیح البخاری ، كتاب العتق.

نیز از رسول الله ص نقل شده که "ارقاؤکم اخوانکم" یعنی برده های شما برادران شما هستند

رسول الله صل الله عليه و سلم فرمودند:

بردگان شما برادران شمایند، که خداوند آنها را زیردستان شما قرار داده است، کسی که برادرش زیر دست اوست، می باید از همانچه که خود میخورد به او بخوراند و از همانچه که خود می پوشد به او بپوشاند و بر آنچه به آن توانایی ندارد او را وادار نسازد، پس اگر چنین کرد او را یاری کند.

در قسمت بعدی (#قسمت_دوم کنفرانس #برده_داری) به موضوعات زیر پرداخته میشود ﴿﴾

- سوال دوم: به نظر شما اسلام با همچین غولی از برده داری و این همه برده و کنیز که در جوامع وجود داشت می بایست چیکار میکرد؟! و پاسخ به این سوال از نظر عقلی، منطقی و اسلامی و پرداختن به جواب نظریه پردازان غربی -نتیجه گیری کلی-

-آیا شخص مالک می تواند به هر نحوی که بخواهد با مملوک برخورد کند؟؟؟

-برده داری در خارج اسلام و تمدن های دیگر

بخش دوم

مقدمه:

در قسمت اول به نظر نظریه پردازان غربی در مورد برده ها در جوامع اسلامی و مقایسه ی آن با جوامع غربی پرداختیم سپس گفتیم اسلام برده داری را از چهره ی ظالمانه و وحشیانه ی آن در آورد و راه های متعدد از جمله

- بدهکار شدن
- باخت در قمار
- دزدیده شدن
- شکست خوردن در جنگ
- فروش از سوی مرد خانه یا رئیس قبیله یا حکمران
- خیانت و اساسا فروش در میدان برده فروشان

که یک شخص برده می شد را بست و فقط یک راه باز گذاشت و آن هم اسیر_جنگی کفار حربی بود.

یعنی اسیری که در جنگ تحمیلی توسط کفار انجام شده و برده داری را راهی بهتر و مناسب تر برای نگه داری اسرا برای کوتاه مدت در نظر گرفت.

به زبان دیگر: برده داری؛ اسارت اسرای جنگی برای کوتاه مدت بود.

اسلام روش دیگری برای برخورد با برده ها در نظر گرفت و آن مهر و محبت بود

در این صورت از کشتن اسرا که روش متداول رفتار با اسیر جنگی بود را کنار گذاشت و فرصتی دوباره به او داد

اسلام قوانین متعددی بنا نهاد که دیگر برده ها دائمی نبودند و پس از مدتی باید آزاد شده و جذب جامعه می شدند

نکته مهم: اسلام هرگز ابداع کننده بردگی نبوده است، بلکه در حالی ظهور کرد که مساله بردگی سراسر جهان را فرا گرفته و با تار و پود جوامع بشری آمیخته بود.

✘ حال به ادامه ی بحث یعنی پاسخ به سوالات زیر می پردازیم؛

- سوال اول : به نظر شما اسلام با همچین غولی از برده داری و این همه برده و کنیز که در جوامع وجود داشت می بایست چیکار میکرد؟!

و پاسخ به این سوال از نظر عقلی ،منطقی و اسلامی و پرداختن به جواب نظریه پردازان غربی

- سوال دوم : آیا شخص صاحب برده می تواند به هر نحوی که بخواهد با برده برخورد کند؟؟؟

- سوال سوم: چرا کنیز برای صاحبش حلال است؟

- سوال چهارم: وضعیت برده داری در خارج اسلام و تمدن های دیگر به چه صورت بوده است؟؟؟

در جواب سؤال اول می توانیم سه جواب در نظر بگیریم:

الف) همه را آزاد می نمود و برده داری را به طور کلی یکدفعه لغو میکرد.

ب) راه و رسم کثیف برده داری را مانند گذشته ادامه میداد. (

ج) با سیاست و روشن بینی به مرور آنرا ریشه کن میکرد. (

گزینه ی الف که مقدور نبود، به همان دلیل که در قسمت اول اشاره کردیم و دلایل تلف شدن و آسیب های اقتصادی و اجتماعی که در ابتدای کنفرانس قبلی اشاره شد امکان پذیر نبود.

اما نظر دیگر نظریه پردازان را هم جویا میشویم

آقای منتسکیو دلیل آنرا اینگونه به ما می گوید:

" آزاد کردن عده بی شماری از غلامان به وسیله وضع یک قانون خاص، به مصلحت نبود، زیرا موجب اختلال نظم اقتصادی جامعه می گردید و حتی معایب سیاسی و اجتماعی زیادی در پی داشت "

انصافاً شما بفرمائید ، این همه کنیز و برده را باید چکار می کردند؟؟؟

نه شغلی داشتند ،نه خانه ای داشتند ،نه تخصص خاصی داشتند ... واقعا ورود یکباره این همه انسان به

جامعه معزل بزرگی بود.

علاوه بر آن ،همیشه به چشم انسان های درجه سه و چهار با آنها رفتار می شد،

- طبق مثال جناب منتسکیو - برای خالی کردن عقده هایشان فرصت جبران برایشان پیش می آمد.

گزینه ب هم مقدور نبود!

(راه و رسم کثیف برده داری را مانند گذشته ادامه میداد)

برده داری و کنیز داری برای اسلام غیر قابل قبول و غیر انسانی و متضاد با کمال بشری بود.

چون اسلام آمد تا ناهنجاری های اجتماعی را برطرف کند، هدفش گسترش و ادامه انحرافات نبود!!!

اما به صورت حکیمانه گزینه ج را انتخاب کرد، ولی چگونه؟

(الف): پذیرش بردگی به جای حبس در زندان:

اسلام برای برانداختن رسم برده داری، ابتدا راههای غیر منطقی آن را مسدود ساخت و #تنها #یک راه برای آن باز گذاشت که چاره ای از آن نبود؛ چون اسلام با باز گذاشتن این راه، در حقیقت می خواست مساله ی اسرای جنگی کافر را حل نماید؛ که این راه حل یقیناً بهتر از راه حل فعلی، یعنی زندانی نمودن اسرا می باشد چرا؟

چون در روش زندانی نمودن، شخص از اکثر حقوق انسانی خود محروم می شود، در حالی که در روش پیشنهادی اسلام، شخص از حقوق بسیاری برخوردار می گردد. لکن شهروند درجه دوم است نه شهروند درجه یک. اما در روش زندانی نمودن، او صرفاً موجودی است بی مصرف و انگل که حتی اسم شهروند درجه دهم نیز روی او نمی توان گذاشت.

(ب): موانع بر سر راه آزادی برده ها:

اینکه اسلام حکم به آزادی برده ها (اسرای جنگی کافر) نداد، برای این بود که:

اولاً آزاد نمودن اسرای جنگی متضاداً با فلسفه ی اسیر گرفتن است.

ثانیاً در صدر اسلام، حجم عظیمی از اقتصاد ممالک بر دوش برده ها بود؛ لذا آزادی یکباره ی آنها مساوی بود با به هم ریختن اقتصاد ممالک.

ثالثاً اگر برده ها به یکباره آزاد می شدند، تعداد فراوانی انسان بدون مسکن و بدون دارایی در جامعه رها می شدند که خطر بزرگی است برای یک کشور.

رابعاً صاحبان برده های سابق بر اسلام، برای خرید برده ها پول داده بودند و با حکم اسلام، به این راحتی حاضر نمی شدند از مالکیت خود دست بردارند؛ لذا بر ضد اسلام جبهه می گرفتند و جنگی فراگیر رخ می داد.

از اینرو اسلام این مساله را به تدریج و از راه وضع قوانینی خاص و نیز از کانال امور شرعی و معنوی حل و فصل نمود؛ به گونه ای که امروزه دیگر خبری از برده داری وجود ندارد.

برده ی ا صلاحی اسلام، هنوز هم امکان موجودیت را دارد؛ لکن امروزه ساز و کارهای خاصی بر دنیا حاکم شده که اجازه ی چنین کاری را نمی دهد و این ساز و کار، یقیناً ساز و کاری است ظالمانه، به نفع تجاوزکار، ضد صلح، و مشوق جنگ.

چون امروزه یا اسرای جنگی را معاوضه می کنند، که روش اول اسلام می باشد؛ یا آنها را مخفیانه و چه بسا با شکنجه می کشند، که به هیچ وجه مورد قبول اسلام نیست؛ یا آنها را زندانی ابدی می کنند، که آن هم با حقوق اساسی انسان برای رشد و ترقی مادی و معنوی سازگار نیست و مورد پذیرش اسلام نمی باشد؛ یا اگر اسیر گیرنده، از کشورهای غیر استکباری باشد، مستکبران جهان امروز، آنها را وادار می کنند که اسیران تجاوزگر را بدون هیچ توانی آزاد کنند، که عملی است غیر منطقی و ظالمانه؛ چون اینها کسانی بوده اند که آتش جنگ را شعله ور ساخته اند و در این شعله، افرادی کشته شده اند و خسارتها به طرف مقابل وارد شده است.

پس روی چه حسابی و طبق چه منطقی باید اینها را بی هیچ توانی آزاد نمود و به آنها آزادی بی قید و شرط داد؟! و چرا نباید آنها خسارتی را که وارد کرده اند، جبران نمایند؟! و چرا قبل از اینکه اصلاح شوند، باید آزاد گردند؟!!

اما چه کنیم که در زمانه ی ما، سنگها را بسته اند و سگها را رها کرده اند؛ و این وضع بی نیامده مگر از آن جهت که مسلمین، احکام قرآن را رها ساخته و به دامن کفار آویخته اند

نتیجه گیری کلی:

❖ موضوع برده داری از اختراعات اسلام نبوده بلکه قبل از اسلام در میان امتهای و اقوام مختلفی بوده از جمله در تمدن مصر و در میان عربهای شبه جزیره و حتی در ایران و جاهای دیگر نیز اشکال متفاوتی از آن بوده مثل سیستم ارباب و رعیتی در مناطق زراعی که آن نیز نوعی برده داری است.

❖ وقتی اسلام خواست با برده داری تعامل کند امکان لغو یکباره آن وجود نداشت زیرا این سیستم با تمام بخشهای جامعه آمیخته بود بنابراین در آغاز کار اسلام یکباره برده داری ممنوع نشد بلکه در آغاز قوانین ظالمانه مربوط به آن تعدیل شد و فقط به اسرای جنگی در جنگ با کفار حربی محدود شد به دلایلی...

❖ برده داری از اختراعات اسلام نیست و اسلام به تدریج آن را برطرف فرمود. در آغاز احکام مربوط به برده ها تبیین شد و تلاش شد قوانین مربوط به برده ها تعدیل شود.

در اسلام در موارد مختلفی آزاد کردن برده ها واجب شده است. مثلاً کسی که روزه واجب خود را بخورد باید یک برده آزاد کند. در طول تاریخ آنقدر برده توسط مسلمانان آزاد شده که در نهایت برده ای باقی نماند.

نقل شده که فقط امام زین العابدین (فرزند امام حسین ع) حدود ۱۰۰۰ برده خریده و آزاد کرده است

ضمناً برده داری بعد از بعثت رسول الله ص بیشتر شبیه استخدام تمام وقت کارمند است و از آن حالت برده داری غربی یا برده داری عرب جاهلی که خصوصیت وحشیانه دارد فاصله گرفت.

✓✓ □ □ اسلام در شرایط گوناگون به بهانه ها و روشهای مختلف دنبال کنار گذاشتن این فرهنگ بوده است.

اسلام برای آزادی تدریجی برده ها نیز راههایی را قرار داد:

((نخست اینکه)): آزاد نمودن برده ها را امری دارای ثواب اخروی اعلام نمود. و همینطور یکی از مصارف زکات بشمار می آمد

((دوم اینکه)): آزادی برده را یکی از کفاره های شرعی قرار داد.

((سوم اینکه)): به برده ها اجازه داد تا با صاحب خویش وارد معامله شده و خود را از صاحبش بخرد؛ در این قانون، برده با صاحب خویش سندی را امضا می کنند که طبق آن، برده افزون بر کار متداولی که دارد، با اضافه کاری برای خود پول جمع می کند و با پرداخت بهای خود، خود را از صاحبش می خرد.

((چهارم اینکه)): اسلام برده ی زن (کنیز) را، برای صاحبش در حکم همسر قرار داد و به این طریق بین او و صاحبش رابطه ای عاطفی و ناموسی قرار داد، تا احتمال سوء استفاده ی دیگران از او را تا حدّ زیادی ببندد.

((پنجم اینکه)): اسلام قانونی وضع نمود که طبق آن اگر کنیزی از صاحبش صاحب فرزند شد، بعد از مردن صاحبش، مادر (کنیز) به فرزند خویش به ارث برسد؛ و چون شرعاً فرزند نمی تواند صاحب مادر خویش باشد، لذا آن کنیز (امّ ولد) خود به خود آزاد می گردد.

((ششم اینکه)): تعیین آزادی بردگان بعنوان #کفاره بسیاری از تخلفات در اسلام: مانند کفاره قتل خطا، کفاره ترک عمدی روزه و کفاره قسم .

((هفتم اینکه)): تعیین آزادی بردگان بعنوان بخشی از مجازاتهای صاحبان برده: زمانی که نسبت به برده اش سختگیری و شدت عمل نشان دهد

احیای شخصیت انسانی بردگان:

تا آنجا که از نظر حقوق انسانی هیچ تفاوتی میان بردگان و افراد آزاد قائل نبوده و معیار ارزش را همان تقوا قرار می دهد. لذا به بردگان اجازه داده شد تا پست های مهم اجتماعی را عهده دار شوند. بردگان می توانند مقام مهم قضاوت را عهده دار شوند. در عصر پیامبر(ص) نیز، مقامات برجسته ای، از فرماندهی لشکر گرفته تا پست های حساس دیگر به بردگان یا بردگان آزاد شده سپرده شد. #سلمان و #بلال و #عمار یاسر و #قنبر، را در این گروه می توان نام برد .

✘ ۱ با این راهکارها بود که نه به یکباره، بلکه به صورت تدریجی برده ها آزاد و به صورت خودکار در جامعه ی مسلمین هضم می شدند و تبدیل به خطری بالقوه برای جامعه ی اسلامی نمی گشتند. حتی نه تنها این بردگان آزاد

شده زبانی برای جامعه ایجاد نمی کردند بلکه به خاطر مهارتهایی که در زمان بردگی کسب نموده بودند ، به مرور تبدیل به عناصر سازنده ی جامعه می شدند ؛ تا آنجا که به گواهی تاریخ ، از بین همین بردگان آزاد شده ، دانشمندان و عالمانی بزرگ به ظهور رسیدند و در دوره ای از تاریخ همین بردگان آزاد شده ، حکومت ممالیک را به وجود آوردند.

در همین باب حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که فرمود: پیوسته جبرئیل سفارش بردگان را به من می کرد تا آنجا که گمان کردم به زودی ضرب الاجلی برای آنها می شود که به هنگام رسیدن آن آزاد شوند .

✈ منابع:

توبه ۶۰

الکافی ج : ۶ ص : ۱۹۶

من لایحضره الفقیه ج : ۱ ص : ۵۲- وسائل الشیعة ج : ۲ ص

شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۶، ص ۲۸۰

وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۶

حقوق برده گان در اسلام:

□ باز پرسیده می شود که آیا شخص مالک می تواند به هر نحوی که بخواهد با مملوک برخورد کند؟؟؟

○ □ پاسخ:

ابداً چنین نیست. اسلام برای برده ها حقوقی معین نموده که صاحب آن برده حتماً باید آن را مراعات نماید؛ در غیر این صورت، حکومت مؤظف است که با صاحب برده برخورد نماید. همچنین مردم وظیفه دارند که اگر دیدند برده ای مورد ظلم واقع می شود، صاحبش را نهی از منکر نمایند؛ و اگر گوش نکرد، به حاکم اسلامی اطلاع دهند.

- تأمین لباس، خوراک و مسکن برده بر عهده ی صاحبش می باشد؛ و همه ی اینها باید به حدّ کفاف باشد. اگر صاحب برده نتواند این نیازها را برآورده کند، یا باید او را به شخصی که از عهده ی مخارجش بر می آید بفروشد یا باید او را آزاد نماید.

- برده حقّ دارد که واجبات خود را به جا آورد و صاحبش حقّ ندارد از او جلوگیری کند.

- صاحب برده حقّ ندارد او را به کاری که شرعاً خلاف است امر کند؛ و اگر امر نمود، او نباید اطاعت کند.

- صاحب برده حقّ ندارد به برده ی خود کاری فراتر از توانش بسپارد.

- صاحب برده حقّ ندارد بی دلیل او را تنبیه نماید؛ و اگر به خاطر تمردّ از فرمان، او را تنبیه نمود، نباید به او آ سیب جدّی برساند. تنبیه او می تواند از سنج غذا ندادن به صورت موقت یا کم غذا دادن یا زدن

باشد؛ ولی اگر او را زد، حق ندارد بیش از ده ضربه شلاق بر او بزند. و اگر بی دلیل او را تنبیه نمود، مستحب است او را آزاد کند؛ برخی فقها گفته اند: واجب است آزادش کند.

- صاحب برده حق اهانت به برده را ندارد.

و

همچنین در برخی موارد اسلام برای بردگان تخفیفهایی قائل شده که برای افراد عادی قائل نشده است.

برای مثال:

سرقت

در صورتی که عبد مرتکب سرقت گردد و از اموال مولای خود سرقت کرده باشد قطع ید نمی شود بلکه فقط تأدیب می شود و همچنین اگر از بیت المال سرقت کند همین حکم را خواهد داشت؛ چون قطع ید او موجب ضرر بیشتر به بیت المال است.

زنا

فقها با استناد به آیه شریفه «فعلیهن نصف ما علی المحصنات.» معتقدند که کنیز زناکار مجازاتش نصف مجازات زنان آزاد زناکار است؛ یعنی فقط ۵۰ ضربه شلاق. و به صورت کلی مجازات مملوک زناکار ۵۰ ضربه شلاق (نصف مجازات غیر مملوک) است؛ چه مرد باشد چه زن و چه پیر یا جوان، باکره باشد یا غیر باکره. و حتی صاحب جواهر در این مساله، مدعی اجماع شده و علاوه بر آن به آیه مذکور و روایتی نیز استناد کرده است. و نیز قائل است، عبد و امه ی زناکار «جز» و «تغریب» هم نمی شوند.

تکرار جرم زنا

با وجود آن که شخص زناکار غیر محصن آزاد در صورت ارتکاب سه بار و یا بنا به قولی چهار بار تکرار جرم، کشته می شود، ولی اگر این عمل توسط بردگان (چه زن و چه مرد) تکرار شود در مرتبه ی هشتم و بنا به قولی در مرتبه نهم کشته می شوند.

اما در سایر جرایم مانند لواط، قوادی، شرب خمر، قذف، عبد و غیر عبد با هم از نظر مجازات برابرند.

برده (کنیز یا غلام)، از منظر اسلام، آن کسی است که با مسلمین جنگیده و اسیر شده است. لذا منطقاً مستحق کشته شدن است؛ چون یا مسلمین را کشته یا به قصد کشتن آمده است یا یاور کشندگان بوده است.

لکن اسلام با توجه به هدف خود، که اصلاح انسانها و تربیت الهی آنها است، با این اسیران به رأفت رفتار نموده آنها را نمی کشد؛ بلکه با وضع حقوقی برای برده ها، آنها را به عنوان **شهروند درجه دوم** می پذیرد؛ و البته راههایی نیز قرار داده تا آنها بتوانند بعد از آزاد شدن، از شهروند درجه دوم، تبدیل به شهروند درجه اول بشوند.

در این میان از جمله حقوقی که برای کنیزان وضع شده این است که صاحب او می تواند وی را به عنوان زوجه ی خویش قرار دهد ؛ لکن زوجه ی درجه دوم ، که برخی حقوق زوجه ی درجه اول را ندارد.

همچنین صاحب وی می تواند او را به زوجیت کس دیگری در آورد.

به این ترتیب، اسلام استفاده ی جنسی از این کنیزان را قانونمند نمود و آنها را در ردیف نوامیس مسلمین در آورد، تا:

(ثالثاً^{۱۱}): خود همین قانون در کنار مساله ی امّ ولد - که پیشتر گفته شد - در حقیقت راهی بود برای آزادی کنیزان. لذا کنیزان، بسیار مایل بودند که از صاحب خود دارای فرزند شوند تا بعد از فوت شوهر، آزاد گردند. چون با اینکه در بسیاری از خانه ها غلامان تا حدودی جزء خانواده شمرده می شدند ، ولی کنیزان بیشتر از برده های مرد ، جزء خانواده محسوب می شدند. لذا کمتر مردی حاضر می شد کنیز خود را بفروشد ؛ چرا که نسبت به او احساس ناموسی داشت.

(خامساً): اگر کنیزان رابطه ی ناموسی با صاحب خود یا فردی دیگر نمی داشتند ، کسی سعی نمی کرد از حریم عفت آنها دفاع کند ؛ بلکه حتی چه بسا صاحبش او را وسلیه ای برای کسب درآمد قرار می داد و در برابر پول، او را در اختیار مردان هرزه می گذاشت. لذا اسلام با این کار در حقیقت این طریقه ی سوء استفاده را نیز بسته است.

(ثامناً): با این قانون کنیز در حقیقت نوعی همسر درجه دوم برای مرد می شد ؛ لذا نه تنها شخصیتش هتک نمی گردید بلکه شخصیت او حفظ می شد. چون اگر این قانون نبود ، کنیز همواره با این تهمت روبرو بود که مورد تجاوز جنسی واقع شده است. چون از نظر افکار عمومی بسیار بعید است که زنی بیگانه دائماً در اختیار مردان یک خانواده باشد و مورد طمع جنسی واقع نشود. لذا حتی اگر چنین کنیزی آزاد می شد ، کسی حاضر به ازدواج با او نمی شد ؛ چون به فکر هر کسی خطور می کند که به احتمال زیاد ، او در زمان کنیز بودنش مورد سوء استفاده ی جنسی قرار گرفته است. اما وقتی یک کنیز در فضای جامعه ی اسلامی آزاد می گشت ، کسی چنین تهمتی را متوجه او نمی دانست ؛ چون همه می دانند که او در زمان کنیز بودن ، در حکم همسر صاحبش بوده و با او ارتباط مشروع داشته است ؛ و توسط همان صاحبش ، به عنوان ناموس از حریم عفاف او صیانت می شده است. لذا چنین کنیزی بعد از آزادی نهایتاً مثل زنی خواهد بود که شوهرش مرده یا شوهرش او را طلاق داده است.

البته شکی نیست که کنیز هیچگاه در خانه ی صاحبش حرمت و شخصیت یک زن آزاد را نخواهد داشت ؛ و انتظار این را هم نباید داشت. چرا که معنا ندارد بین اسیر و آزاد، تساوی حقوق قائل شویم ؛ و الاً دیگر اسیر ، اسیر نخواهد بود. اما در این هم شکی نیست که کنیز وقتی همسر درجه دوم صاحبش شد ، شخصیتی برتر از یک زن بی صاحب و مورد آتھام خواهد داشت. مردم جامعه ، به زنان شوهر مرده یا مطلقه ای که شوهر نمی کنند ، چه تهمتها که نمی زنند و چه سوء ظنّها که نمی کنند ؛ کجا رسد که کنیزی بی شوهر بماند و کسی مدافع حریم عفافش نباشد.

◀ □ ▼ **نگاهی به برده داری در خارج از اسلام:**

برده داری سراسر جهان را گرفته بود و قرن ها بعد از اسلام نیز خصوصا در جوامع غیراسلامی ادامه یافت. در انگلستان تا سال ۱۸۴۰ میلادی، در فرانسه تا سال ۱۸۴۸، در هلند تا سال ۱۸۶۳، و در آمریکا تا سال ۱۸۶۵ بردگی ادامه داشت، و سپس **کنگره بروکسل** ضمن اعلامیه ای، تصمیم به الغای بردگی در سراسر جهان گرفت، و این در سال ۱۸۹۰ بود. یعنی تا ۱۵۰ سال پیش، رسماً در کشورهای غربی، برده داری رایج بود و البته در کشورهای اسلامی، قرنها پیش ریشه کن شده بود.

از زمان های دور تا کنون برده ها همواره به عنوان اشیاء در نظر گرفته می شدند، به طوری که آن ها را خرید و فروش، تعویض و یا هدیه کرده و یا حتی به عنوان وثیقه ای برای پرداخت بدهی هایشان مورد استفاده قرار می دادند. در تمام جوامع عهد باستان برده داری یک سنت پذیرفته شده از سوی عموم به شمار می رفت و از حیث سیاسی و اجتماعی نیز امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسید.

📖 **اما در قرن بیست و یکم چطور؟**

۲۷ میلیون برده در قرن ۲۱

مقام های سازمان ملل در آستانه روز جهانی لغو بردگی گفتند: با وجود گذشت بیش از ۲۰۰ سال از زمان لغو رسمی بردگی، هنوز این شیوه استثمار و بهره کشی از انسان ها به تاریخ نپیوسته و یک واقعیت جاری است.

به گفته آنها، بردگی اکنون در نقاط مختلف دنیا به شکل های گوناگون و وحشیانه، در حال ظهور و گسترش است.

از نکات تلخ و شگفت آور گزارش سازمان ملل و سازمان بین المللی کار این است که بردگی یک پدیده جهانی است که به همان اندازه که بر کشورهای فقیر تاثیر می گذارد، در کشورهای ثروتمند نیز جریان دارد.

بنا بر این گزارش، در حال حاضر بیش از ۲۷ میلیون نفر اعم از مرد، زن و کودک هر روز در نظام بردگی و در شرایط بردگی بسر می برند و بردگی آنها به همه ی شیوه ها اعم از اشکال سنتی یا مدرن با توجه به تقاضای بازار رو به افزایش است.

کار اجباری، یکی از مهم ترین اشکال بردگی در عصر کنونی است که به گفته ی سازمان بین المللی کار، در حال حاضر حدود ۱۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در جهان گرفتار آن هستند.

قربانیان این شیوه ی بردگی، همواره افراد بسیار ضعیف و فقیر جامعه هستند و از کارگران مهاجر که برای پرداخت بدهی های خود به باندهای قاچاق به آن تن داده اند تا زنان و دختران مجبور شده به فحشا را در برمی گیرد.

گزارش سازمان ملل تاکید دارد که بردگی در عصر جدید ناشی از فقر، طرد اجتماعی، به حاشیه راندن افراد، فقدان دسترسی به آموزش و وجود فساد در جامعه است.

بنا بر این گزارش، در میان اشکال مدرن بردگی به صورت کار اجباری، موارد متعددی در میان خدمتکاران خانگی و نیز، بخش های ساخت و ساز مسکن، صنایع غذایی و صنایع تکمیلی به چشم می خورد.

در همین راستا، «**ناوی پیلاوی**» کمیسر بلندپایه سازمان ملل برای حقوق بشر، بردگی را «**یک جنایت علیه بشریت**» خواند که «زندگی انسان ها و جوامع را ویران می کند و با وجود به رسمیت شناختن جهانی لغو آن، عامل رنج ۲۷ میلیون نفر در عصر کنونی است.»

این مقام حقوق بشر هشدار داد که بحران کنونی اقتصادی جهان می تواند بر شمار افراد برده در جهان بیفزاید.

طبق آمار اتحادیه اروپا، امروزه تنها در آلمان ۲۰ هزار برده وجود دارد که به اجبار مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند.

برده ها در آمریکا

ایندپندنت با چاپ عکسی از برده داری در آمریکا در قرن ۲۱ خبر داد و آن را مایه شرمساری این کشور دانست.

ایندپندنت نوشت: در قرن بیست و یکم که سال ها از لغو برده داری توسط همه ی کشورها می گذرد آمریکا، علاوه بر جنایاتی که در دنیا انجام می دهد در داخل کشورش نیز به برده داری مشغول است.

رفتاری که با مهاجران خارجی انجام می شود فقط گوشه ای از برده داری است که همواره در داخل آمریکا در جریان است.

ایالت «فلوریدا» آمریکا که در رفتار خشونت آمیز و غیر انسانی با خارجیان شهرت جهانی دارد، مهاجران را در شرایط کاملاً حیوانی به بردگی کشیده است.

خط و مشی سیاسی آمریکا بقدری غیر انسانی است که از این کارگران به عنوان حیوان استفاده می شود.

استحمام که بیش از ۵ دلار برای آنها هزینه دارد بشرح ذیل است:

«شستشو با آب سرد با سطل»

این در حالی است که کارگران برای چیدن ۵۰ کیلو میوه فقط یک دلار می گیرند.

پایین نگه داشتن حقوق و دستمزد کارگران در راستای سیاست کلی حکومت آمریکاست که قیمت محصولات کشاورزی در کل کشور باید پایین باشد؛ تا رای دهندگان از دولت راضی باشند.

به عنوان نمونه کل گوجه فرنگی مصرفی آمریکا که در همین مزارع فلوریدا به دست می آید در پیشرفته ترین فروشگاه های آمریکا با قیمت پایین به دست مشتری می رسد و مردم نیز از حکومت خود راضی هستند که این محصولات را با قیمت نازل به آنها عرضه می کند.

XXX

و نوع دیگری از بردگی در سایه ی تمدن غرب بردگی_جنسی است.

برده داری مُدرن!!!

هر چند برده داری در سراسر جهان به طور رسمی لغو شده است اما این ممنوعیت تنها منحصر به روی کاغذ است زیرا امروزه اشکال دیگری از برده داری، با عنوان برده داری مدرن، قربانیان بسیاری را اعم از زندانیان سیاسی، کودکان، کارگران و مهم تر از همه قربانیان سوء استفاده جنسی اجباری را در کام خود فرو می برد.

کارگران کشاورزی در مزارع و باغ های میوه در پایین ترین شرایط زندگی و با کسب حقوق اندک سخت ترین کارها را، که هیچ انسانی از عهده آن بر نمی آید انجام می دهند. این در حالی است که در قرن بیست و یکم با این همه پیشرفت علم و تکنولوژی در کشاورزی، حتی کشورهای عقب مانده نیز از ماشین های صنعتی برای این کار استفاده می کنند.

❁ و این بود رفتار اسلام با یک معضل اجتماعی و تبدیل آن برای یک راه_حل اجتماعی و لغو و نابودی تدریجی یک عمل حیوانی که گریبان گیر بشر و خصوصا اعراب_جاهلی بود

❁ السلام علی من اتبع الهدی. ❁

(و درود بر آنکس که از راه راست پیروی نماید. و درود بر آنکه پیرو هدایت شود. و درود بر هر آنکه از حق تبعیت نماید.)

« به امید روزی که انسان از تمامی تعلقات و اسارت های روحی و جسمی آزاد شود و به مقام

عبودیت و بندگی خدا نائل گردد.»

